Original Article Open Access

The Iranian Association of Medical Law

Medical Law Journal

2023; 17(58): e68

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

The Bioethics and Health Law Institute

A Comparative Study of the Legal Nature of the Transaction with a Foolish Person in Islamic Law and Islamic Religions

Masoumeh Kari[1], Reza Abbaspour[1*], Ozra Entekhabian[1]

1. Department of Jurisprudence and Fundaments of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The issue of stupidity and transactions related to it by stupidity are important and debated in jurisprudence, legal and social fields. Due to the fact that Safih (stupid person) has a mental disorder and his actions and movements are out of the usual way of rational people and what is the habit of most people. Therefore, it is the person who uses his property for other than correct (rational) purposes. Although in jurisprudence, there is no specific age for a person's growth. At the same time, this matter and the terms of their transaction are not the same in different schools of jurisprudence. Therefore, this study deals with the legal nature of the transaction with a foolish person and explains it in a comparative manner by considering controversial cases in law, Imamiyyah jurisprudence and Khamsa religions according to the traditions and principles of jurisprudence.

Method: This study examines and analyzes the statements of experts and the jurisprudential principles and perceptions of the Imamiyyah and other religions and their Islamic laws by using the descriptive-analytical method and in a library form and through the data collection tool.

Ethical Considerations: The principle of honesty, impartiality and trustworthiness and the originality of the work are among the fundamental principles of this study.

Results: Growth is not the same due to the characteristics of each person, and because it is considered as a formative and customary matter, its measurement and limits are not determined in the Shariah. The jurists of Imamiyyah and other schools of thought have differences in this field, especially regarding the transaction of a Safih person. Such transactions may take place based on the dignity of a fool, but the trader is not a fool.

Conclusion: The presence of a guardian is necessary for a fool in financial affairs and transactions, and it is possible to recognize and explain his standard in terms of rational custom to make his actions and actions smooth like conventional rational actions, although he is independent and free in non-financial cases. Despite this, there is no fundamental difference between Imamiyyah and Sunni jurists regarding the need for awareness and knowledge related to contracts and transactions.

Keywords: Transaction; Safih; Stupid Deal; Silly Relativity; Islamic Law; Jurists; Islamic Religions

Corresponding Author: Reza Abbaspour; **Email:** Abbaspor@Yahoo.com

Received: August 14, 2023; **Accepted:** October 25, 2023; **Published Online:** October 12, 2024

Please cite this article as:

Kari M, Abbaspour R, Entekhabian O. A Comparative Study of the Legal Nature of the Transaction with a Foolish Person in Islamic Law and Islamic Religions. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e68.

© Copyright (2022) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه‌وهشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

بررسی تطبیقی ماهیت حقوقی معامله با شخص سفیه در حقوق اسلامی و مذاهب اسلامی

معصومه کاری[۱]، رضا عباسپور[۱*]، عذری انتخابیان[۱]

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مسأله سفاهت و معاملات مرتبط با آن از سوی سفیه در حوزه‌های فقهی، حقوقی و اجتماعی دارای اهمیت و بحث می‌باشد. به سبب آنکه سفه دارای اختلال عقل می‌باشد و اعمال و حرکات وی به شیوه معمول عقلا و آنچه عادت اغلب مردم می‌باشد، خارج است، لذا مبتلابه آن فردی است که اموالش را در غیر اغراض صحیح (عقلایی) مورد استفاده قرار می‌دهد، اگرچه در فقه سن مشخصی برای رشد شخص معین نشده است. در عین حال، این مهم و شرایط معامله‌شان در مذاهب فقهی مختلف به یک منوال و حکم نمی‌باشد، لذا این مطالعه به ماهیت حقوقی معامله با شخص سفیه پرداخته و آن را به صورت تطبیقی با مد نظر قراردادن موارد بحث‌برانگیز در حقوق، فقه امامیه و مذاهب خمسه با توجه به روایات و اصول فقهی تبیین می‌نماید.

روش: این مطالعه با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای و از طریق ابزار فیشبرداری، اقوال صاحب‌نظران و اصول و برداشت‌های فقهی امامیه و مذاهب دیگر و حقوق اسلامی آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

ملاحظات اخلاقی: این مطالعه با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای و از طریق ابزار فیشبرداری، اقوال صاحب‌نظران و اصول و برداشت‌های فقهی امامیه و مذاهب دیگر و حقوق اسلامی آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

یافته‌ها: رشد به سبب خصیصه‌های هر فرد یکسان نمی‌باشد و به جهت آنکه به عنوان یک امر تکوینی و عرفی محسوب می‌شود، سنجش و حدود آن در شرع تعیین نشده است. فقهای امامیه و دیگر مذاهب در مواردی دارای تشت آرا در این زمینه و به خصوص در مورد معامله شخص سفیه می‌باشند. چنین معاملاتی ممکن است بر اساس آن شأنیت سفیه صورت پذیرد، اما معامله‌کننده، سفیه نمی‌باشد. از حیثی، مصادیق و فروعات چنین معاملاتی در هر زمان یکسان نمی‌باشد و آنچه سابقاً رشیدانه محسوب می‌شد، ممکن است.

نتیجه‌گیری: وجود قیم برای سفیه در امور مالی و معامله ضروری می‌باشد و تشخیص و تبیین معیار آن از نظر عرف عقلایی نیز ممکن است صورت پذیرد تا اعمال و کنش‌های او را مانند اعمال عقلای متعارف هموار سازد، اگرچه در موارد غیر مالی مختار و آزاد است. با وجود این، در مورد لزوم اگاهی و دانش مرتبط با قرارداد و معامله بین فقهای امامیه و اهل سنت اختلاف بنیادینی مشاهده نمی‌شود.

واژگان کلیدی: معامله؛ سفیه؛ معامله سفیه؛ نسبیت سفیه؛ حقوق اسلامی؛ فقها؛ مذاهب اسلامی

نویسنده مسئول: رضا عباسپور؛ **پست الکترونیک:** Abbaspor@Yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۸/۰۳؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kari M, Abbaspour R, Entekhabian O. A Comparative Study of the Legal Nature of the Transaction with a Foolish Person in Islamic Law and Islamic Religions. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e68.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق پزشکی ایران است.

مقدمه

در اصطلاح حقوقی واژه سفیه (غیر رشید) دربرگیرنده شخصی می‌باشد که عهده‌دار اموال خود نمی‌باشد، دچار اسراف و تبذیر در خرج بوده (۱) و گاه دچار حرکات و اعمال غیر عاقلانه می‌شود و به عنوان محجور نگریسته می‌شود. بنابراین تصرفات مالی وی عاقلانه نمی‌باشد (۲)، مضافاً در فقه سن خاصی برای رشد فرد در نظر گرفته نشده است، چراکه این مهم بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، جسمی، اجتماعی و فرهنگی هر شخص متفاوت می‌باشد (۳). همچنین طبق ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی غیر رشید یا سفیه در تصرف اموال خود بر اساس عقل عمل نمی‌کند، به علاوه بر اساس اصول فقهی تشخیص رشد بر حسب مقتضیات اجتماعی یا زمانی و یا فردی به قاضی یا ولی واگذار می‌شود (۴). بر اساس رویه حقوقی، دلالت گواهی کارشناسی پزشکی بیان‌کننده سفیه و عدم رشد عقلی می‌باشد، به طوری که گواهی کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در قانون در نظر گرفته می‌شود و احکام مرتبط به آن در مبحثی مستقل در قانون لحاظ شده است، لذا دارای عدله‌ایی مستقل از علم قاضی تلقی می‌شود. در عین اینکه سفیه و سفاهت بحث حقوقی و فقهی بوده و به عنوان بیماری در پزشکی مطرح نمی‌باشد (۵). از طرفی، سفاهت یک امر نسبی محسوب می‌شود و لزوماً به مفهوم اختلال روانی و یا ذهنی تلقی نمی‌شود، اگرچه در مواردی در امور پزشکی برخی از اختلالات و درجاتی از عقب‌ماندگی ذهنی و یا روانی معادل سفاهت دانسته می‌شود و به صورت استعلام قضایی گواهی داده می‌شود (۳). با وجود این، در فقه رشد بر اساس شهادت و اختیار (بر اساس عرف و عادت) اثبات می‌شود (۱). مطابق ماده ۱۲۲۳ ق.م در مورد افراد سفیه دادستان مکلف است که پیشتر از طریق افراد آگاه از فرد مد نظر نسبت به سفاهت وی اطلاعاتی کسب نماید و در صورت صحت این مسأله آن را در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوی نماید و پس از صدور عدم رشد شخص مد نظر برای مشخص‌شدن قیم به دادگاه رجوع کند.

در عین حال، این مهم در مذاهب فقهی مختلف به یک منوال و حکم نمی‌باشد. ایده بسیاری از فقها بطلان (عدم تحقق و بی‌اثری) معامله سفهی بوده و به لحاظ انصاف سفاهت به معامل معامله محکوم به بطلان است، اما تعلق حکم بطلان از اصل و اساس، به طور مطلق به معامله سفیهانه مورد انکار برخی واقع شده است و در عین حال، نظر برخی از فقهای دیگر بر بطلان یا صحت آن استقرار نیافته است (۶). در فقه امامیه، «اصل عدم ولایت» ـ نفی حق سرپرستی دیگران و دخالت در امورشان ـ یکی از اصول اساسی فقهی بوده، به طوری که مبانی مختلفی مانند استحصاب و حق آزادی هر فرد در تعیین سرنوشت خود برای این اصل را مطرح نمودند، ضمن آنکه در شرایط خاص همانند حوزه محجوران (کودکان، مجانین و سفیهان) با توجه به روایات و دلیل نیاز آن‌ها می‌توان از این اصل عدول نمود (۱). از طرفی، امروزه پیوند میان روان‌شناسی و فقه محکم و بنیادین شده است که به مثابه ارتباط بین موضوع و حکم می‌باشد، به طوری که با تغییر در روند و ماهیت موضوع، حکم نیز به همان منوال تغییر می‌کند (۷). همچنین به سبب آنکه رشد به عنوان یک امر تکوینی مفهومی عرفی تلقی شده و معیار و حدود آن نیز در شرع مشخص نشده است، لذا ایده‌هایی متفاوتی در فقه اسلامی در مورد بعضی از ویژگی‌ها و شرایط رشد وجود دارد و فقهای امامیه و مذاهب در مواردی دارای دیدگاه‌های متفاوتی به خصوص در مورد معامله شخص سفیه دارند، لذا لزوم تبیین و واکاوی قول‌ها و ادله مرتبط با این مسأله در منابع فقهی و حقوق برای حصول به نتایج مطلوب احساس می‌شود (۸).

بر این اساس، مسأله مورد بررسی در این پژوهش این است که آیا «سفیهانه‌بودن معامله» به صورت مستقل می‌تواند موجب بطلان معامله گردد یا خیر و اساساً عامل یا عواملی که باعث صدق «معامله سفیهانه» می‌باشد، مورد چالش می‌باشد، ضمن آنکه، از مسائل مورد بحث دیگر در این حوزه تأثیر یکسان انگاری عنوان سفاهت معامل با معامله سفهی در معامله می‌باشد (۹).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این پژوهش ماهیت حقوقی معامله با شخص سفیه را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و آن را به صورت تطبیقی بر اساس موارد بحث‌برانگیز فوق‌الذکر در حقوق، فقه امامیه و مذاهب خمسه با توجه به روایات و اصول فقهی مورد شناسایی قرار داده و واکاوی می‌نماید. برای حصول به این امر، با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای و از طریق ابزار فیشبرداری، اقوال صاحب‌نظران و اصول و برداشت‌های فقهی مترتب بر آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

یافته‌ها

رشد به سبب خصیصه‌های هر فرد یکسان نمی‌باشد و به جهت آنکه به عنوان یک امر تکوینی و عرفی محسوب می‌شود، سنجش و حدود آن در شرع تعیین نشده است. فقهای امامیه و دیگر مذاهب در مواردی دارای تشت آرا در این زمینه و به خصوص در مورد معامله شخص سفبه می‌باشند. چنین معاملاتی ممکن است بر اساس آن شأنیت سفیه صورت پذیرد، اما معامله‌کننده، سفیه نمی‌باشد. از حیثی، مصادیق و فروعات چنین معاملاتی در هر زمان یکسان نمی‌باشد و آنچه سابقاً رشیدانه محسوب می‌شد، ممکن است امروزه سفیهانه تلقی شود. یک معیار برای مشخص‌نمودن آن، فاصله کارایی یک اقدام حقوقی از کارایی حداکثری آن یا فاصله بهره‌وری یک فعالیت اقتصادی از بهره‌وری حداکثری آن می‌باشد.

بحث

۱. ماهیت سفاهت و بررسی معاملات آن: موضوع سفاهت و اهمیت معاملات آن دارای جنبه‌های فقهی، حقوقی و اجتماعی می‌باشد. از آنجا که سفه و سفاهت به معنی اختلال عقل است و افعال سفیه از راه و روش عقلا و آنچه عادت اغلب مردم است، خارج می‌باشد، لذا مبتلا به آن کسی است که اموالش را در غیر اغراض صحیح (عقلایی) مصرف می‌کند (۷)، لذا سفاهت متعاملین به عنوان یکی از فاکتورهای شش‌گانه ممنوعیت در اموال از سوی فقها به شمار می‌رود (۱۰) و این مهم همان چیزی است که در مقابل مفهوم رشد قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، سفاهت عدم وجود ویژگی یا صفت می‌باشد که به سبب آن حفظ و نگهداری اموال به صورت غیر عقلایی مصرف گردد و به خاطر همین ویژگی می‌باشد که سفیه از تصرف و مداخله در امور مالی منع شده است. از طرفی، حجر سفیه شکل خاصی از حجر است که دلالت بر نسبی‌بودن آن دارد که ممنوع‌شدن فرد از برخی از تصرفات را دربر می‌گیرد و نه همه آن‌ها را، چراکه چنین ممنوعیتی صرفاً محدود به امور مالی می‌باشد (۱۱)، مضافاً فقهای امامیه و مذاهب اسلامی «رشد» را ویژگی می‌دانند که به موجب آن می‌توان فرد عاقل و سفیه را از هم تمییز داد و این خصیصه بر اساس امور مالی تبیین شده است، اگرچه در برخی موارد و موضوعات در منابع و ادله برخی فقها نسبت به برخی از شرایط و خصیصه‌های رشد نیز اختلاف نظری بینشان وجود دارد (۵).

به همین منوال، معاملات سفهی، معاملاتی را شامل می‌گردد که از شخص سفیه صورت می‌پذیرد و یا بر اساس آن شأنیت می‌باشد، اما معامله‌کننده، سفیه نیست. از طرفی، مصادیق و فروعات چنین معاملاتی در هر زمان متفاوت می‌باشد و آنچه در گذشته رشیدانه تلقی می‌شد، ممکن است امروزه سفیهانه محسوب شود (۱۲)، مضافاً معاملاتی از این نوع ممکن است در همه فعالیت‌های اقتصادی، عقود و شروط انجام پذیرد، لذا برای مشخص‌شدن آن در قراردادها و فعالیت‌های اقتصادی کلان، باید به متخصص یا عرف پیشرو رجوع نمود. یک معیار برای تشخیص چنین امری، فاصله کارایی یک اقدام حقوقی از کارایی حداکثری آن یا فاصله بهره‌وری یک فعالیت اقتصادی از بهره‌وری حداکثری آن می‌باشد. هرچه فاصله بین این دو متغیر بیشتر باشد، درجه سفاهت، بالاتر و به بطلان نزدیک‌تر می‌شود. به همین سبب، عده‌ایی از حقوقدانان و فقها به بطلان معاملات سفهی معتقد می‌باشند و به سفاهت در حوزه‌های

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

کلان، بر اساس کارایی حداکثری و بهره‌وری می‌نگرند (۱۳)، لذا معامله‌ایی که به دلیل اتصاف بالفعل فاعل آن به سفاهت باشد، فاقد اعتبار می‌باشد. در عین حال، گاهی اقدامی متصف به سفاهت است علیرغم آنکه فاعل آن متصف به سفاهت نمی‌باشد که در این شکل نیز معامله سفهی محسوب می‌گردد، با وجود اینکه طرفین قرارداد یا یکی از آن‌ها سفیه نمی‌باشد و این مسأله همان که شأنیت می‌باشد که از طرف فرد سفیه واقع می‌گردد. افرون بر این، نظر مشهور فقها در مورد سفیه دربرگیرنده سبکی یا نقصان عقل برای معاملات اقتصادی و مسائل مربوطه به معاملات و معیشت می‌باشد که مورد تأیید عرف نیز است (۱۴). در عین حال، طبق ماده ۱۲۲۳ ق.م، رسیدگی به مسائل قیمومت بر اساس رأی دادگاه خانواده است، خواه سفاهت اثبات شود، خواه مرتفع گردد.

۲. نسبیت سفیه از نظر پزشکی و حقوقی: بر اساس یافته‌های علوم جامعه‌شناسی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی رفتارهای هنجار و نابهنجار فردی و اجتماعی به صورت نسبی نگریسته می‌شوند، بدین‌معنا که چنین رفتارهایی ممکن است بر اساس مقتضیات اجتماعی و پیشرفت علم دستخوش تغییر و تحول شوند، لذا شاخص زمان دربرگیرنده شکل معنا و تعریف آن‌ها در مورد افراد و شیوه بررسی‌شان می‌باشد (۱۵). به همین منوال، بر اساس اصول پزشکی، نسبی‌انگاشتن شخص محجور و سفیه دربرگیرنده این ایده می‌باشد که فاکتورهای تبیین‌کننده حجر و سفیه ثابت و مطلق نبوده و بر اساس مقتضیات زمانی حاصل از پیشرفت علم، شرایط فکری افراد قابل تغییر می‌باشند، لذا این اصول، وابسته به تمایلات شخصی فرد یا جامعه نمی‌باشند. از طرفی،گواهی یزشکی مرتبط با حالات روحی و عقلی می‌تواند ملاک شناخت سفاهت شخص و تعیین صلاحیت قیم باشد.

از نظر حقوقی، در قوانین موضوعه کشور ما و طبق ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی فردی سفیه در نظر گرفته می‌شود که از نظر عقلی در شرایطی نباشد که بتواند امور اقتصادی خود را انجام دهد و تصمیم منطقی لازم را اتخاذ نماید، اگرچه در ظاهر رفتار چنین فردی با افراد دیگر تفاوت خاصی نداشته باشد و دارای استعدادهایی نیز باشد، در عین حال قادر به مدیریت اموال خود نباشد. در صورتی که رفع حجر انجام پذیرفت نیاز به قیم و عهده‌دار قانونی نمی‌باشد و تا زمانی که قدرت تشخیص در امور مالی خود را نداشته باشد، تشخیص رشد وی به ولی یا قاضی سپرده می‌شود (۱۶).

در عین حال، سفیه در معاملات و امور مالی نیازمند به قیم می‌باشد و تشخیص و سنجش آن از نظر عرف عقلا نیز امکان‌پذیر می‌باشد تا اعمال و افعال وی را مثل اعمال عقلای متعارف مشخص نمایند، اگرچه در مسائل غیر مالی مختار و آزاد می‌باشد (۱۰). با این وجود، در حقوق اسلامی کشور ما بیماری از مؤلفه‌های حجر و تحدید تصرفات مالی محسوب نمی‌شود و در قانون آن جدای از احکام مبسوط مرتبط با تصرفات بیمار صرفاً از حکم ارث خانمی که حین بیماری آقایی به عقد او درآمده است و یا طلاق گرفته است، بیان شده است (۱۷).

۳. معامله سفیه در حقوق اسلامی: از شروط اساسی معامله در حقوق اسلامی عدم سفاهت متعاملین می‌باشد. به عبارت دیگر ثابت شود که حتی اگر یکی از طرفین عقد و قرارداد سفیه می‌باشد، علیرغم تراضی انجام‌گرفته بین متعاقدین، قرارداد و معامله مزبور نافذ نبوده و دربرگیرنده ادله بطلان می‌باشد. این قید همانند آن چیزی می‌باشد که در قانون مدنی از فقه امامیه تحت عنوان کلی اهلیت متعاملین اقتباس شده است، چراکه عدم وجود چنین قیدی به تضییع مال منهی شده و موجبات برهم‌ریختن قوام اقتصادی اجتماع انسانی می‌شود. در عین حال، عمده فقهای امامیه تحت یک قاعده فقهی از این مرز فراتر رفته و معامله سفهی برغم عدم نبود طرفین سفیه بطلان می‌نهند (۱۸). در عین حال، عده‌ایی از حقوقدانان سعی نمودند با تفسیر کلمه «رشد» ماده ۹۱ را بر اساس معنای قسیم آن تفسیر نمایند تا از تثبیت مسئولیت کیفری سفه در مفهوم مدنی ممانعت نمایند و طی جرائمی مستوجب حد و قصاص بدانند (۱۹).

به عبارت دیگر، بر اساس متون فقهی و مواد قانون مدنی چنین دریافت می‌شود که اساس بر تسلیم مورد معامله شرط

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

بوده، اما بر اساس عدله ضرورت این قید می‌توان بیان نمود که مسأله شرط فقط قدرت بر تسلیم نمی‌باشد، بلکه مشخص‌شدن این قدرت یا مشخص‌نبودن فقدان آن، برای طرفین معامله و دیگری علم طرفین براین قدرت می‌توان بر قدرت مشخص بودن به هنگام معامله به صورت مجموع مرکب تفسیر نمود (۲۰). بنابراین هر زمان طرفین معامله علم بر قدرت داشته باشند، اما پس از قرارداد مشخص شود که در واقع قدرت وجود نداشته و وی در اشتباه بوده است، معامله باطل می‌باشد. عکس این قضیه نیز صادق است، زمانی که در معامله طرفین اعتقاد به عدم قدرت بر تسلیم داشته باشند و پس از قرارداد مشخص شود که قدرت بر تسلیم وجود داشته است، در این صورت نیز معامله باطل می‌باشد و چنین معامله‌ای غرری تلقی می‌شود که به موجب آن به سبب مجهول‌بودن شرایط معامله یا تصوّرات خلاف واقع طرفین در زمان انجام آن می‌تواند باعث ایجاد اختلاف و کشمکش بین متعاملین گردد که همیشه در معامله از آن اجتناب می‌شود، به علاوه در متون فقهی و از نظر حقوقی قاعده غرر در معاملات دارای اصل معینی می‌باشد و هر فعلی که بر اساس مؤلفه عقلایی نباشد به دو شکل استنباط می‌شود: یا بر اساس اصول و قیود معاملات غرری باطل است یا بر اساس متون فقهی و نظر حقوقدانان و مصادیقشان معاملات سفهی تشخیص داده می‌شوند. به عبارت دیگر، چنانچه فرق اساسی معاملات سفهی و غرری نسبت به هم بیان شود، غرر حاصل از جهل ممکن است با خطراتی همراه شود، حال آنکه که در معامله سفهی انجام یا ویژگی مورد معامله و عمل حقوقی آن از نظر عقلا ممتنع است (۲۰). افزون بر این، قراردادی که منتقل‌الیه با علم بر عدم قدرت بر تسلیم و دسترسی پیداننمودن مورد قرارداد معامله‌ایی می‌کند یک معامله سفهی تلقی می‌شود که بیانگر سفاهت معامله‌کننده، بلکه حتی عدم تمیز او نیز است، چراکه با چنین شرایطی هیچ کسی تمایل ندارد در مقابل مالی چیزی بدهد که آن را دریافت نمی‌کند (۲۱). بنابراین اقتضای عقلایی‌بودن سرشت طبیعی هر کار حقوقی می‌باشد که به موجب آن هر کار حقوقی دارای وضعیت صحیح یا باطل دارد. بر این اساس، معامله سفهی نوعی معامله غیر سفیهی (عاقل بالغ رشید) می‌توان دریافت که بر اساس ویژگی‌ها و شرایط معامله برای تصرف یکی از متعاملین یا هر دو در مال خود، وجه عقلایی برداشت نشود. به عبارت دیگر، قراردادشان از نوع معامله سفها می‌باشد، اگرچه خود فرد معامل از سفها نمی‌باشد، لذا این معامله باطل می‌باشد، چراکه در اصطلاح حقوقی سفیه فردی می‌باشد که فاقد یا دارای نقص در قوه تمیز می‌باشد و در طی قرارداد حلیم و بردبار نمی‌باشد. همچنانکه در آیه ۵ سوره نساء در این مورد چنین آمده است: «وَالتُوتُوا السّفَهاءَ اموالکُم الّتی جَعَلَ اهللُ قیاماً و ارزقُوهُم فیها و اکسُوهُم وَ قُولُوا لَهُم قَوال مَعروفاً؛ اموال سفیهان را که خداوند آن را مایه استواری قرار داده است، به آنان نسپارید و از (آن مال) خوراک و پوشاک آنان را تأمین و با آداب نیکو با آنان سخن گویید.»

از طرفی دیگر، در مواردی قرارداد سفیه صادق می‌باشد و سفهی محسوب نمی‌شود، مانند موردی که فرد سفیه قراردادی را بر اساس روش عقلایی انجام می‌دهد، بدون آنکه موازنه ارزشی بین طرفین دچار مشکل شود. در عوض، معامله‌ای که بر اساس روش عقلائی نبوده، اما بر اساس شیوه کار اشخاص سفیه می‌باشد و ماده اجتماع هم در جایی می‌باشد که هر دو عنوان در آن جمع می‌شوند، مانند قرارداد سفهی که از فرد سفیه انجام می‌دهد، باطل می‌باشد، همچنانکه عمده فقها آن را بطلان از اصل می‌دانند (۲۲). با وجود این، برخی از فقها به صورت مطلق تعلق حکم بطلان از اصل و اساس را نفی می‌کنند، چنانچه آیتا... خمینی فروش اشیایی که بدون سود عقلایی باشند، سفهی‌بودن را به عنوان علت بطلان بیان داشته و در موردی دیگر برعکس این حالت بیان می‌دارند که برای بطلان قرارداد سفی دلیلی نمی‌باشد، اما قرارداد سفیه باطل است (۲۳). افزون بر این، عمده فقها بطلان معامله سفهی را هم مفروغ‌عنه می‌پندارند و هم به صورت یک قاعده فقهی تلقی می‌نمایند و بر اساس این قاعده حکم به بطلان می‌دهند. به عبارت دیگر، وقتی فردی عاقل به صورت غیر عاقلانه و بدون غرض عقلایی قرارداد و معامله‌ایی انجام دهد، این قرارداد به مثابه معدوم بوده و قابل تصحیح نمی‌باشد و بطلانی است بر

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

سفاهت معامله، چراکه معیار بطلان‌بودن قرارداد و معامله، سفهی‌بودن آن نمی‌باشد، بلکه سفاهت معامل است. بر اساس اصل صحت نبود علت بر بطلان معاملات سفهی چنین قرارداد و معامله‌ایی صحیح می‌باشند. در عین حال، کبرای کلی باطل‌بودن قراردادهای سفیهانه به طور کلی و تحت موضوعی مجزا برای اتصاف معاملات دروغین به بطلان نیز محل تأمل می‌باشد (۲۴). در عین حال، وضعیت حقوقی مانند صحت و بطلان به صورت حکم وضعی می‌باشد که در قانون برای انجام و به سبب آن برای تعهدی مشخص می‌شود، اگرچه در ماده ۱۹۰ ق.م، اهلیت هم یکی از قید ضروری قرارداد بیان شده است، اما بازگشت عدم این قید منوط به فقدان قصد انشاء یا فقدان رضای معتبر می‌باشد (۲۵).

۴. شرایط معاملات سفیه در فقه امامیه و مذاهب خمسه:

علیرغم اینکه برخی از فقهای امامیه مسأله شرط را قدرت مشخص قلمداد می‌کنند آن‌ها بیان می‌دارند که زمانی طرفین قرارداد هنگام عقد اعتقاد به وجود قدرت بر تسلیم داشته باشند و بعد از قرارداد مشخص شود که وجود نداشته است و بعد از آن قدرت مزبور حادث شود، قرارداد صحیح می‌باشد، اما این دیدگاه صحیح نمی‌باشد، چراکه طرفین هنگام معامله علم بر قدرت بودند، اما در حقیقت قدرت بر تسلیم وجود نداشته و در نتیجه مجموع مرکب (قدرت معلوم) نیز نفی می‌شود، مضافاً در قرارداد علم طرفین به قدرت بر تسلیم از شرایط اساسی می‌باشد که مستلزم تسلیم در مرحله اجرای قرارداد و نه در مرحله تشکیل آن می‌باشد (۲۶). بر این اساس، در قراردادهایی که تشکیل آن با ایجاب و قبول قبض محقق می‌گردد و در حقیقت طبق ماده ۳۶۴ ق.م قبض شرط تحقق قرارداد است و علم بر قدرت تسلیم شرط صحت قرارداد نمی‌باشد، چراکه افزون بر صورت مقررات قانونی مرتبط با شرط مذکور از چنین قراردادهایی فرد می‌تواند منصرف شود، اما مصداقی بر اساس تسلیم عقدی باید داشته باشد که به موجب آن عرفاً معامله غرری به سبب آن قابل اطلاق باشد (۲۷).

به علاوه معاملات سفهی دارای شأنیت انجام پذیرفتن از سوی سفیه را دارد، اما معامله‌کننده آن با عقل، دانش و اراده چنین قراردادی را اجرایی می‌کند، لذا سفیه نمی‌باشد که به مثابه عدم توازن مشخصی بین طرفین می‌باشد. همچنین چنین معاملاتی علاوه بر ناظر به عقود مغابنه در همه عقود و حتی قیود و ایقاعات صورت می‌پذیرد (۲۸). از طرفی، شکل حقوقی این معاملاتی از موارد اختلاف فقهای امامیه و حقوقدانان کشور می‌باشد، بدین‌معنا که در چنین معاملاتی عده‌ایی به قاعده صحت و عده‌ایی دیگر به قاعده بطلان آن عقیده دارند و هر دو گروه دارای دلایلی برای دیدگاه خود هستند، اگرچه از سوی طرف مقابل مورد نقد و دارای ایراد می‌باشد (۲۹).

در فقه امامیه مسائلی که می‌توانند منتهی به سفهی‌شدن اعمال حقوقی شامل موارد زیر می‌باشد:

۱ـ عدم علم به اصل وجود مبیع؛

۲ـ عدم قدرت بر تسلیم مورد معامله؛

۳ـ قدرت بر تسلیم در قانون مدنی.

از دیدگاه پیروان مذهب مالکی سفیه فردی می‌باشد که در اموال خود حتی در بخشش اسراف و تبذیر نماید و یا مشغول به آلات لهو و لعب و یا خمر و قمار نماید. همچنانکه در آیه ۲۶ سوره اسراء از سوی خداوند نهی شده است: «والتُبذرُ تبذیرا؛ و اهل آن نیز برادران شیطان توصیف شدند» (۳۰).

در عین حال، پیروان مذاهب شافعی شخصی را سفیه می‌پندارند که یا زیاد ولخرج است و یا هزینه‌هایی که سود حال یا آینده وی را برآورده نمی‌کند، صورت دهد، مانند قمار اموال و یا به سربردن در خوشی‌های حرام و مصرف مواد مضر به بدن و غبن فاحش در معامله کند، اما اگر مالش را در وجوه خیریه و صدقه بر فقرا صرف نماید، سفیه محسوب نمی‌گردد. از سویی دیگر، پیروان مذهب حنابله معتقدند که سفیه شخصی می‌باشد که مخارج و هزینه‌های وی بی‌رویه، نامناسب و نامتعادل است (۱۶).

در مفهوم سفیه از نظر فقهای حنیفه، جزیری بیان داشته است که سفیه فردی می‌باشد که اموالش را نمی‌تواند به درستی مدیریت نماید، لذا آن را به بطالت یا ولخرجی و اسراف مصرف می‌کند و ممکن است هر فعلی که از حوزه عقل و شرع خارج می‌باشد، مرتکب شود، حتی اموال خود را صرف امور خیریه نماید. از طرفی، به غیر از فقهای شافعی همه فقهای اهل سنت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

بر این دیدگاه می‌باشند که انفاق بی‌رویه و ولخرجی سبب سفاهت می‌شود (۲۴).

مضافاً فقهای حنیفه و حنابله معتقدند که سفیه صرف از سوی حاکم محجور می‌گردد، لذا زمانی که فرد سفیه قبل از حکم به حجر، تصرفی را صورت دهد، چنین تصرفی نافذ می‌باشد، حتی اگر صحیح نباشد، اما پس از حکم حاکم به حجر سفیه، تصرف او نافذ نمی‌باشد، حتی به جا و صحیح باشد. فقهای مالکیه اظهار می‌دارند که زمانی که فردی متصّف به سفه باشد، شایسته حجر می‌باشد، چه آقا باشد چه خانم. اگر پس از زمان اندکی مثلاً یک سال قبل از بلوغ، سفاهت وی مشخص گردد پدر وی دارای این حق می‌باشد که وی را منع نماید، چراکه نزدیک به زمان بلوغ می‌باشد. فقهای حنفی بیان می‌دارند که وقتی همه ارکان عقد قرارداد مشروع نباشد، آن معامله و عقد باطل می‌باشد و این ارکان توسط شارع مشخص شده است (۳۱).

بر این اساس، در واقع صحت معامله بر مبنای وجود قدرت حقیقی بر تسلیم دانش عوضین به این قدرت یا نبود دانش بر عدم قدرت می‌باشد که در صورت نبود آن‌ها هیچ یک از قراردادها صحیح نمی‌باشد، لذا فقدان نسبی قدرت موجب بطلان قرارداد شده و تسلیم مورد قرارداد از سوی شخص متعهد نه از طرف خودش و نه با توسل به شخص دیگر مقدر نمی‌باشد.

با وجود این، در مورد لزوم آگاهی و دانش مرتبط با قرارداد و معامله بین فقهای امامیه و اهل سنت اختلاف بنیادینی مشاهده نمی‌شود، ضمن آنکه در برخی مباحث و موضوعات با هم اختلافاتی دارند که به سبب روایت‌های متعدد در موارد خاص و یا به سبب اختلاف دیدگاه مرتبط با غرر در بیع و امثال آن می‌باشد که به چند مورد اشاره می‌شود. از بین این موارد دیدگاه برخی از فقهای امامیه به فروش وسیله مجهول مانند نطفه، جنین و حمل در حیوانات را به ضمیمه وسیله معلوم ذکر نمودند که بر اساس فقهای اهل سنت و مذاهب اسلامی فروش با چنین ضمیه‌ایی صحیح نمی‌باشد (۳۲)، چراکه این فقها غرر را منتفی ندانسته و بر این ایده هستند که ضمیمه‌نمودن وسیله معلوم به مجهول، موجب آن نمی‌شود که جهالت از شئ مجهول خارج شود و شئ مجهول، حتی در ترکیب با شئ معلوم، مجهول تلقی می‌شود، اگرچه فقهای امامیه غرر را منتفی در نظر می‌گیرند (۲۶).

مسأله مورد بحث دیگر این است که از دیدگاه عمده فقهای امامیه و اهل سنت (مذاهب اسلامی) سفی‌بودن موجب منع و باطل‌بودن معاملاتی می‌باشد که مورد قرارداد درآ مجهول می‌باشد، مضافاً حدود اعلام اوصاف کیفی و کمی (جنس، وصف و مقدار) مورد قرارداد به میزانی در نظر گرفته می‌شود که به سبب آن بها و ارزش و یا انگیزه‌های دو طرف یکسان نباشد، لذا درباره مسأله مورد اختلاف زیاد آن عرف را به عنوان داوری مورد پذیرش قرار می‌دهند. از طرفی، عمده فقها اظهار می‌دارند که مقدار اشیا باید بر اساس شیوه‌ها و ابزارهای متعارف مرتبط با آن شئ مشخص شود، لذا زمانی که وسیله‌ایی به شیوه عرف آن ارزش‌گذاری نمی‌شود و به صورت سفیهانه برای مثال با تخمین میزان آن مورد سنجش قرار می‌گیرد، به منظور رفع آن غرر معتبر نیست، چراکه غرر بر اساس نوع سنجیده می‌شود و ملاک ان شخصی نمی‌باشد. با این وجود، برخی از فقها معتقدند که رفع غرر شخصی را می‌توان به عنوان معیار و سنجش اگاهی به مورد قرارداد تعیین نمود که به موجب آن وقتی وسیله‌ایی بر اساس تخمین ارزش‌گذاری می‌شود، حتی اگر میزان سنجش واقعی آن کالا ترازو باشد، چنین قیدی محقق و غرر را رفع خواهد نمود، اما فقهای امامیه رشد مورد بحث قرار داده و در حیطه رشد مدنی تلقی می‌کنند و افزون بر این رشد جزایی را موضوع مجازات تحت عنوان یک قید مستقل و در مبحث مستقل در نظر نگرفته‌اند و اصول مرتبط با آن را ضمن بیان حکم‌های مرتبط با جرائمشان به صورت تلویحی مستوجب حد و قصاص مشخص نمودند (۳۳).

۵. سفاهت و تصرفات مالی و غیر مالی: سفاهت از قیدهای حجر می‌باشد، به طوری که شخص سفیه نمی‌تواند به صورت معامله‌ایی اموال موجود و تصرف مالی در ذمه خود را بفروشد یا مورد بخشش یا وقف قرار دهد، لذا ممنوعیتی در تصرف

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

اموال خود دارد، مضافاً محجوریت سفیه تفاوت فاحشی در تصرفات وجود ندارد، چه زن باشد و چه مرد، چراکه عقلانی بودن از شروط اساسی می‌باشد و اینکه نمی‌تواند هیچ تعهد مالی در ذمّه برقرار نماید (۳۴).

در مسائل غیر مالی همچون عبادت حکم شخص سفیه به مانند حکم شخص رشید بوده، لذا سفاهت نمی‌تواند از امور شرعی ممانعت به عمل آورد، لذا همانند شخص رشید عباداتی همچون نماز، روزه و خمس و زکات بر شخص سفیه واجب می‌باشد، اگرچه در تکالیف مالی ولی وی از سوی او تکلیف را پرداخت می‌نماید. برای نمونه، با برداشتن هزینه سفر حج توسط ولی وی می‌تواند حج مستحب را به جای آورد (۱۹)، در حالی که برخی از فقهای مذاهب اسلامی، رفتن به حج مستحب را حتی در صورت بیشترشدن هزینه آن از هزینه اقامت در وطن مطلقاً که شخص سفیه نتواند این مبلغ اضافی را از کسب درآمد به دست آورد، جایز می‌دانند، به علاوه در تصرفات غیر مالی برای عهد، نذر و قسم وقتی صحیح می‌باشد که متعلق آن مال نباشد و در غیر این صورت باطل می‌باشد. حال اگر آن مال در ذمه باشد نیز صحیح است که بعد از زوال حجر می‌تواند ادای آن را بپردازد و به همین منوال شکستن نذر یا عهد و یا قسم بر وی کفاره واجب می‌گردد. همچنین سفیه ضامن خواهد بود زمانی که مالی که در دوران ممنوعیت از تصرف به امانت نزد وی بوده از بین برد، لذا وقتی که صاحب مال با آگاهی از سفیه‌بودن شخصی مال خویش را نزد وی به امانت گذاشت و او آن از بین برد، در ضمانت و عدم ضمانت وی بین فقهای امامیه و مذاهب اسلامی اختلاف وجود دارد، مضافاً عاریه نیز حکم ودیعه را در احکام فوق دارد. از حیثی، مصادیق و مثال‌هایی که فقها بیان نمودند، همچون خرید و فروش ماهی در دریا و یا پرنده در هوا با عدم وجود قدرت مرتبط می‌باشد، اما در موارد نبود نسبی قدرت دلایل مبرهنی بر آن خط بطلان نکشیده است، اگرچه برخی حقوقدانان و فقهایی مذاهب خمسه اظهار می‌دارند که نبود قدرت نسبی به منزله نبود قدرت بر تسلیم و تسلم دو طرف قرارداد نیز موجب بطلان قرارداد می‌شود. در عین حال، برخی از فقها عبارت «بنحو من الأنحاء یصح بیع ما جرت العاده بعوده» را به مفهوم عدم قدرت بر تسلیم و عدم دستیابی به آن به صورت مطلق قابل دریافت می‌دانند که نبود قدرت مطلق را دربر می‌گیرد (۳۵).

همچنین بر اساس ماده ۱۲۱۴ ق.م، تصرفات سفیه (غیر رشید) نافذ نمی‌باشد، اگرچه تملکات بلاعوض چنین شخصی صحیح بیان شده است، لذا دلیل منع تصرف و حجر بسیاری از محجورین، به سبب فقدان رشد کافی آن‌ها می‌باشد و رفع حجر، مستلزم اگاه و شناخت به رشد آن‌ها می‌باشد.

۵-۱. قلمرو معاملات سفهی

۵-۱-۱. عقود معوض و غیر معوض: در عقود معوض هر یک از طرفین معامله همانند معامله کالا به کالا در برابر آنچه که می‌دهد و یا دینی را که متقبل می‌شود چیزیی دیگر یا تعهدی را دریافت می‌کند و از مصادیق آن غبن معطوف‌شده می‌باشد. در عقد این قرارداد تفاوت بهای دو مورد معاوضه‌شده مانع از معوض‌شناختن عقد نمی‌شود، به جز اینکه مورد معاوضه مانند فروش خانه به یک سیر نبات چنان بی‌ارزش باشد که عرف آن را هیچ بینگارد و شائبه حیله برای تظاهرنمودن وجود عوض برداشته شود، البته در قرار مجانی مانند هبه و عاریه یک یا چند نفر تعهدی به فرد یا افرادی می‌نمایند و به صورت رایگان و بدون التزام به آن‌ها می‌دهند (۱۴).

بنابراین در عقود معوض هیچ یک از دو طرف به دنبال کسب سود بالاتر به نفع خود نمی‌باشد و اغماض و نبود تعادل مشخص بینشان در معامله قابل قبول نمی‌باشد و با توجه به مؤلفه‌های غرر در معاملات که جهل به همراه احتمال خطر حاصل می‌شود غرر اگرچه در اظهارات عمده فقها در مورد قرارداد خرید بیان شده است، چنین عقد قراردادی ویژگی خاصی نداشته و صرفاً بر اساس قاعده غلبه اظهار شده است. در بقیه معاملات مالی غرر وجود خواهد داشت، به جز در مواردیی مانند صلح و جعاله که استثنایی در قانون آمده باشد (۳۶).

۵-۱-۲. عدم تعادل عوضین در معامله: اگرچه تعریف مشخص از غبن در قانون مدنی وجود ندارد، اما بر اساس ماده ۴۱۶ ق.م در صورتی که غبن مشخصی برای هر کدام از

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

معامله‌کنندگان ایجاد شود، پس از آگاهی به چنین غبنی آن معامله باطل می‌شود. چنانچه در ماده ۴۱۷ قانون فاحش و مشخص‌بودن غبن را ملزوم به غیر قابل مسامحه از سوی عرف بیان نموده است. به عبارت دیگر، در چنین معاملاتی برای نمونه فردی چیزی را کمتر و یا بیشتر از قیمت حقیقی خود می‌فروشد و یا می‌خرد، چنانچه بر اساس عرف قابل گذشت و مسامحه نباشد، این قرارداد را می‌توان بر اساس خیار غبن ابطال نمود. غبن مختص معاملات معوض می‌باشد و زمانی که صلحی بر اساس مسامحه و به جهت مرتفع‌نمودن بحث و جدل پیش می‌آید، کارساز نمی‌باشد (۱۹).

لذا زمانی برقراری حق فسخ برای مغبون الزام دارد که به واسطه اشتباه در میزان بهای مورد قرارداد متوجه وی شده باشد، بدین‌سبب صرفاً غبن فاحش از سوی قانون باعث بطلان معامله می‌شود و بر اساس ماده ۴۱۷ ق.م تشخیص فاحش آن غبن به واسطه عرف صورت می‌پذیرد.

در فقه امامیه و حقوق اسلامی شروط عوضین از موضوعات بنیادین در خرید و فروش می‌باشد و این شروط به پنج مقوله دسته‌بندی می‌شود که چنین است:

۱ـ عین‌بودن؛

۲ـ معلوم و معین‌بودن؛

۳ـ مالیت‌داشتن؛

۴ـ ملک متبایعین‌بودن و طلق‌بودن؛

۵ـ قدرت بر تسلیم.

بر اساس ماده ۳۴۸ ق.م مالیت داشتن یا داشتن سود عقلایی مهم می‌باشد، زمانی که مبیع بدون مالیت یا سود عقلایی باشد، آن معامله صحیح نمی‌باشد و بر اساس ماده ۴۳۴ چنانچه مورد خرید و فروش اصلاً مالیت و ارزش نداشته باشد، آن معامله نیز صحیح نمی‌باشد (۳۷).

نتیجه‌گیری

سفاهت در همه انواع قراردادها و فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند صورت پذیرد. به علت آنکه رشد به عنوان یک امر تکوینی عرفی و بدون معیار معین در شرع محسوب می‌شود، بر این اساس نظرات گاه مختلفی از سوی فقهای مذاهب اسلامی و اهل سنت و همچنین در حقوق مدنی در مورد معاملات سفیه مطرح می‌شود، اگرچه در کلیت ان اختلافی وجو ندارد، چراکه تعریف رشد و رشیدانه در مقابل سفیانه بر اساس خصیصه‌های شخصیتی، جسمی، اجتماعی و فرهنگی هر شخص شبیه نمی‌باشد، به طوری که قانون مدنی و بسیاری از مذاهب معامله با سفیه را باطل می‌دانند، چراکه وی در تصرف اموال خویش بر مبنای عقل عمل نمی‌کند. همچنانکه بر اساس اصول پزشکی، نسبی‌انگاشتن شخص محجور و سفیه تأیید شده است.

به همین منوال، دیدگاه برخی فقها به بطلان معامله سفهی نظر داده و به لحاظ انصاف سفاهت به معامل معامله محکوم به بطلان است، اگرچه تعلق حکم بطلان معامله سفیهانه مورد انکار قرار گرفته است، در عین حال، نظر بعضی از فقهای دیگر بر بطلان یا صحت آن قوام نیافته است، لذا تشخیص سفاهت در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی کلان مهم بوده و بایستی از عرف پیشرو و یا متخصص بهره گرفت. یک ابزار مورد تشخیص سفاهت فاصله کارایی یک مورد حقوقی از کارایی حداکثری آن یا فاصله بهره‌وری یک فعالیت اقتصادی از بهره‌وری حداکثری آن می‌باشد که فاصله بیشتر این دو متغیر، میزان سفاهت را بیشتر نموده و به باطل ختم‌شدن آن نزدیک‌تر می‌شود. همچنین گاهی معامله‌ایی متصف به سفاهت می‌باشد، با وجود اینکه فاعل آن متصف به سفاهت در نظر گرفته نمی‌شود. بر این اساس، معامله صحیح با سفیه با مشارکت قیم وی باید صورت پذیرد، در غیر این صورت معامله و تراضی صورت‌پذیرفته بین متعاقدین، نافذ نبوده و اهلیت متعاملین حاصل نشده، لذا متضمن ادله بطلان است، مضافاً درباره الزام علم و دانش مربوط به قرارداد و معامله بین فقهای امامیه و اهل سنت اختلاف اساسی وجود ندارد، اگرچه در بعضی از مباحث و موضوعات و جزئیات آن‌ها اختلافاتی بینشان وجود دارد که حاصل از روایت‌های مختلف در موارد خاص و یا به علت اختلاف نظر در مورد غرر در معاملات می‌باشد. این پژوهش همانند هر مطالعه دیگر دارای

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

محدودیت‌هایی برای انجام بوده است. با این وجود دارای کاربردهای نظری و عملی متعدد در جامعه و برای دستگاه قضا می‌باشد که مطالعات بیشتر در این حوزه از سوی محققین بر غنای آن می‌افزاید.

مشارکت نویسندگان

معصومه کاری: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع.
رضا عباسپور و عذری انتخابیان: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. Jazayeri A. Fiqh Ali al-Mahabh al-Four. Beirut: Dar al-Kitab Arabi; 2005. p.89-100. [Persian]

2. Safaie H, Gasemzadeh M. Civil rights: Individuals and prisoners. 16th ed. Tehran: Samit Publications; 2016. p.79-92. [Persian]

3. Katozian N. General Rules of Contracts. 3rd ed. Tehran: Publishing Company; 1989. Vol.1 p.43-51. [Persian]

4. Anvari H. Farhang bozorg Sokhan. Tehran: Sokkan Publications; 1999. [Persian]

5. Ibn Manzour A. Lasan al-Arab. Beirut: Dar al-Ghareeb for Printing Publishing and Distribution; 2005. [Persian]

6. Askari A. Ma'jam al-Farooq al-Laghuyeh, al-Masdar al-Aqeed. Qom: Islamic Publishing Office Affiliated with Qom Seminary Community of Teachers; 2013. p.7-28. [Persian]

7. Baghi E. The study of fraudulent transactions in Iran's legal system with a view on Sunni jurisprudence. Master's Thesis. Tabriz: Faculty of Humanities and Social Sciences; 2011. [Persian]

8. Mostafavi MK. Fiqh al-Maamalat. Qom: Islamic Publishing Office Affiliated with the Teachers' Community of Qom Seminary; 2002. p.76-98. [Persian]

9. Montazeri HA. Derasat fi al-Makasib al-Muharmah. Qom: Mutafker Publications; 1994. p.43-61. [Persian]

10. Moradi H. Crimes against individuals: Crimes. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2016. p.57-72. [Persian]

11. Mousavi Khoii SA. Al-Makasab Misbah al-Faqaha. Qom: Faqahat; 1998. p.89-93. [Persian]

12. Ebnasir N. The end of the book of Hadith and al-Athar. Qom: Ismailian Publications; No Date. Vol.5. [Persian]

13. Hematnia M, Zamani J. The legal status of fraudulent transactions in Imami jurisprudence and Iranian law. Islamic Law Journal. 2012; 7(4): 34-51. [Persian]

14. Mousavi Ardabili SA. Laws and criminal proceedings in the mirror of jurisprudence. 1st ed. Qom: Radnegar; 2012. p.54-76. [Persian]

15. Emami H. Civil Rights. Tehran: Islamiya Publications; 2019. [Persian]

16. Hekmatnia M, Zamani J. Legal Status of Unreasonable (Safahi) Transactions in Imami Jurisprudence and Iranian Law. Journal Law Islamic. 2013; 10(36): 7-35. [Persian]

17. Erfani M. Business Law. Tehran: Jungle Publications; 2014. [Persian]

18. Hasanzadeh M. Expert law and its evidential value. Qom: University of Qom; 2008. [Persian]

19. Mohaghegh Helli J. Sharia al-Islam. Translated by Yazdi A. Tehran: University of Tehran; 1997. [Persian]

20. Najafi MH. Sahib Jawahar, Jawahar al-Kalam fi Sharh Shari'e al-Islam. Beirut: Darahiyah al-Trath al-Arabi; 1984. p.116-132. [Persian]

21. Naraghi A. Awaed al-Ayyam. Qom: Basirti School; 1987. p.231-241. [Persian]

22. Zaidi MM. Taj al-Arus, Jawaharl al-Qamoos, al-Masdar. Beirut: Dar al-Hidayeh; 2000. p.174-187. [Persian]

23. Shahid Sani M. Al-Rawza al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashqiya. 3rd ed. Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center; 1989. [Persian]

24. Mohebbi J, Riazat Z. Description of the Islamic Penal Code 2013. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2017. [Persian]

25. Gharyani S. Al-Maliki's Jurisprudence and Justice. Beirut: Al-Ryan; 1423. Vol.3. [Persian]

26. Mirmohammadsadeghi H. Specific criminal law: Crimes against individuals. Tehran: Mizan Publications; 2014. p.31-39. [Persian]

27. Shiravi AH. Contract law. 1st ed. Tehran: Samt Publications; 2016. p.187-199. [Persian]

28. Moradi A. Tahrir al-Wasila problems. Tehran: Dorandishan Publishing House; 2013. [Persian]

29. Safaie A. Civil rights of individuals and prisoners. Tehran: Samt Publications; 2014. p.163-176. [Persian]

30. Saberi M. Legal psychiatry. 1st ed. Tehran: Timurzadeh Publications; 2004. p.191-202. [Persian]

31. Maraghi M. Al-Anaween al-Faqhiyyah. Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers' community of the seminary of Qom; 1996. p.69-73. [Persian]

32. Shoaerian E, Ghorbanzadeh M. Comparative study of corrupt and invalid contracts. Wemblay Justice Center. 2012; 8(27): 37-58. [Persian]

33. Rahami M. Penal growth. Private Law Studies Quarterly. 2002; 38(58): 167-198. [Persian]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

34. Safaie H. General rules of contracts. 25th ed. Tehran: Mizan Publications; 2015. p.213-219. [Persian]

35. Sabaghi Nodoshan M, Haeri MH. The Recognition of the Quranic Concept of Changing God's Creation. Journal of Islamic law & Jurisprudence Researches. 2016; 44(12): 57-78. [Persian]

36. Shahidi M. Civil rights of obligations. Tehran: Majd Publications; 2019. p.152-165. [Persian]

37. Tarihi F. Al-Baharin Assembly. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1993. p.367-376. [Persian]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.